

شیخ احمد جام به روایت

فرزند شیخ احمد جام

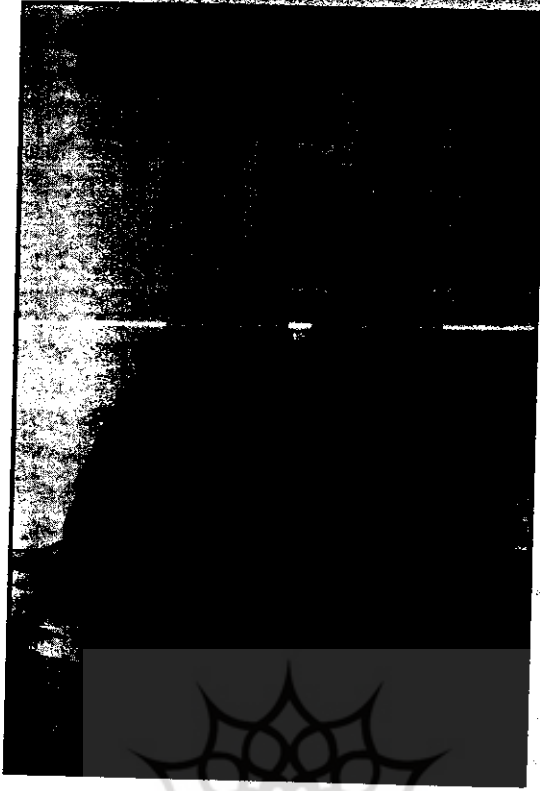
حمید دمقان

۲۷۴

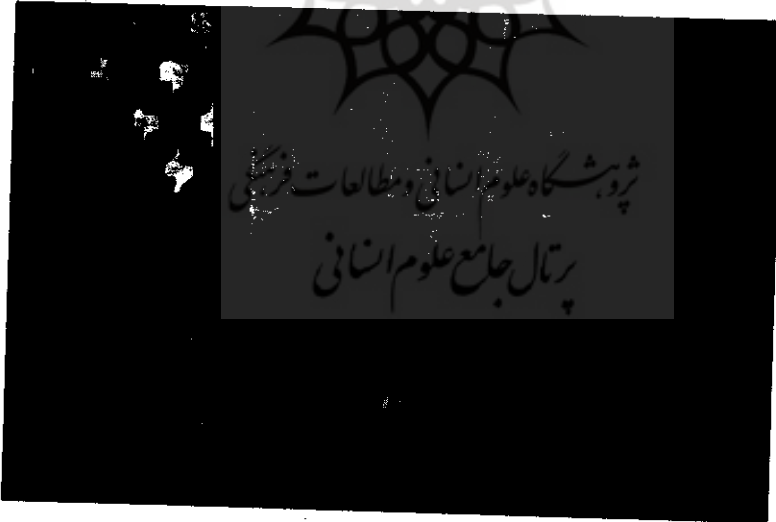
به محض ورود به تربت جام حال و هوای خاصی به آدم روی می آورد پاکیزگی فضای مجموعه تربت جام انسان را سبکبال می سازد و در میان جمعی از مهربانترین مخلوقات روی زمین تصور می کنم در گهواره ای مملو از صفا و محبت به هر سوی کشیده می شوم. در دفتر کار حاج آقا شرف الدین حاج الاحمدی فرزند شیخ احمد جام و تولیت مجموعه پای صحبت گرم و دلنوازی نشسته ام با جان و دل می شنوم.

«حضرت شیخ احمد جام قدس سره از اولاد حضرت جریر بن عبدالله و جلی، از اصحاب بزرگ پیامبر گرامی اسلام بوده است. اصل شان از یمن بوده، جریر هنگامی که در سال آخر بعثت به حضور حضرت پیامبر اسلام مشرف شد، حضرت رسول ردای مبارک را بر روی زمین پهن کردند و فرمودند، جریر روی ردا بنشیند و حدیث مشهوری بر این واقعه وجود دارد که حضرت پیامبر فرمود: هرگاه بزرگ قومی نزد شما آمد او را اکرام کنید. این حدیث در مورد جریر بن عبدالله اتفاق افتاده است.»

حاج آقا شرف الدین جامی الاحمدی تولیت مجموعه مزار، امام جمعه، رهبر معنوی و قاضی شرع مردم تربت جام که با ۲۳ واسطه شجره اش به شیخ احمد جام می رسد مردی وارسته و عارفی بزرگوار است که فیض محضرش لذت فراوانی دارد. روحانی خوش بیان در یک محیط آرام بخش و ساده که محل کار وی و خانه امید هزاران انسان با خدایسی است که برای حل



● تربت جام، حضرت حاج آقا شرف‌الدين حاج الاحمدی، حاجی تولیت حرم، شہریور ۱۳۸۱



● تربت جام دیدار با حضرت شرف‌الدين حاجی الاحمدی، جامی تولیت حرم، شہریور ۱۳۸۱

مشکلات خود به آنجا روی می‌آورند، با شور و هیجان خاصی از جد بزرگوار خود برای «گردشگری» حکایت می‌کند:

«حضرت شیخ احمد جام ششمین نسل از حضرت جریرین عبدالله در ماه محرم سال ۴۴۰ هجری قمری در قریه نامق ترشیز (کاشمر) چشم به جهان گشود پدرش ابوالحسن نام داشت و «بونصر» کنیه‌اش بود. جوانی رشید و پهلوان و خوش اندام بود و مانند همسالانش به تقاضای جوانی به عیش و عشرت می‌پرداخت. در ۲۲ سالگی واقعه‌ای پیش آمد. او و یارانش پس از توبه از رفتار گذشته خود هر یک به سویی روی نهادند و عزلت پیشه کردند و احمد جوان ۱۲ سال در کوه‌های نامق و ۶ سال در میان کوه بزد در غرب تربت جام خلوت‌نشین شد و به تزکیه نفس پرداخت و به مدد بارقه‌ای الهی در وادی تقوا گام نهاد.»

هنگامی که به بنای مسجد نور در بالای تپه معدآباد اراده کرد و گفت می‌خواهد آب زراعتی را از پایین به بالای تپه ببرد حیرت کردند و چه بسا او را دیوانه تصور کردند و زارع مالک آب وقتی از تصمیم شیخ باخبر شد به او پرخاش کرد و با بیل به سرش کوبید. شیخ به او گفت: ای غول! و با کشیدن عصایش بر روی زمین آب را به بالای تپه منتقل ساخت. مردی که با بیل به سر شیخ زده بود با دیدن کرامات شیخ لقب غول را که از شیخ دریافت کرده بود با افتخار برای خود و فرزندان نگاهداشت که هنوز هم فامیل غول احمدی در تربت جام وجود دارد.

هنگام پوشش سقف مسجد یکی از چوبها کوتاهتر از چوبهای دیگر بود از شیخ کمک خواستند، شیخ یک طرف چوب را به دست خود گرفت و سر دیگر چوب را به شخصی واگذاشت و گفت چوب را بکش و زمانی که چوب را کشیدند بلندتر شد. حتی یک متر از دیوار هم بیرون آمد. هنوز این چوب در بالای مسجد مشاهده می‌شود.

شیخ که به اقصی نقاط جهان هجرت کرده بود در روستای معدآباد خانقاهی برای موعظه و تدریس مریدانش احداث کرد.

روستای ساده معدآباد به برکت وجود شیخ احمد رونق یافت و بعدها با استقبال زائران و مریدان و ارادتمندان وی از اهمیت فراوانی برخوردار شد و جای شهر اصلی جام را گرفت. «زمانی هم شیخ در کوچه‌های سرخس آواز حکیمانیم، حکیمانیم و طبیبانیم سر می‌داد و بیمارانی را که دچار مرضهای صب‌العلاج بودند شفا می‌بخشید پس از شفا یافتن بیمارانش او را از خانه بیرون می‌آورد و همراهش در کوچه‌ها راه می‌رفت.

«در زمان حیات ایشان سلطان سنجر سلجوقی که به منظور دفع اسماعیلیه به بوژگان تربت جام وارد شده بود شنید که شخصی به نام احمد اهل کرامات و خوارق عادت است. سلطان سنجر او را نزد خود می‌خواند. شیخ به فرستاده می‌گوید ما با سلطان کاری نداریم اگر او کاری

دارد بیاید! سلطان سنجر از شنیدن ماجرا خشمگین می‌شود و تصمیم می‌گیرد مامورانی برای جلب شیخ اعزام کند. در این هنگام به سلطان خبر می‌رسد که همه اسب‌های سپاه دچار بیماری وحشتناکی شده‌اند. سلطان با تصور ارتباط بیماری اسبها با بی‌احترامی به شیخ از جلب او صرف نظر کرده و خود با وزرا و امیران به دیدار شیخ عزیمت می‌کند. شیخ در خانقاه مشغول نظارت بر کار بناها و کارگران بود که سلطان و همراهانشان از راه می‌رسند. شیخ مشتکی از تراشه‌های رنده شده چوب را بر می‌دارد و در حالی که می‌گوید احمد را جز این بضاعتی نیست آن را روی سر سلطان می‌ریزد. تراشه‌ها با رسیدن به زمین به دانه‌های طلا تبدیل می‌شود.

سلطان از مشاهده کرامات شیخ وحشت می‌کند و با هیجان دست شیخ را می‌بوسد و مرید او می‌شود و ناوهای را پر از گل می‌کند روی دوشش می‌گذارد و به پشت بام خانقاه می‌برد و می‌گوید می‌خواهم در قیامت جزو ناوہ کشان احمد باشم.»

«شیخ در عرفان و طریقت هم مرید اویسی حضرت علی بن موسی الرضا بود. اجداد ما محب اهل بیت بودند کما اینکه جریر بن عبداللہ در رکاب حضرت علی (ع) با دشمنان اسلام جنگیده است.»

مذهب شیخ احمد حنیفی بوده است ولی عده‌ای از اولاد او شیعه و عده‌ای هم اهل سنت هستند. که در اطراف و اکناف جهان از جمله ایتالیا، مصر، یمن، عربستان، پاکستان و هندوستان پراکنده‌اند. شیخ فنا فی اللہ بوده و چنین شخصیت‌هایی اصل اسلامند و به قول شاعر معروف: چنان با نیک و بد سر کن که بعد از مردنت «عرفی»

مسلمانان به زمزم شوید و هندو بسوزاند

«عرفی شیرازی»

شیخ دارای چندین تالیف است و دیوان اشعاری هم دارد که دو بیت از شعر دیوان او چنین

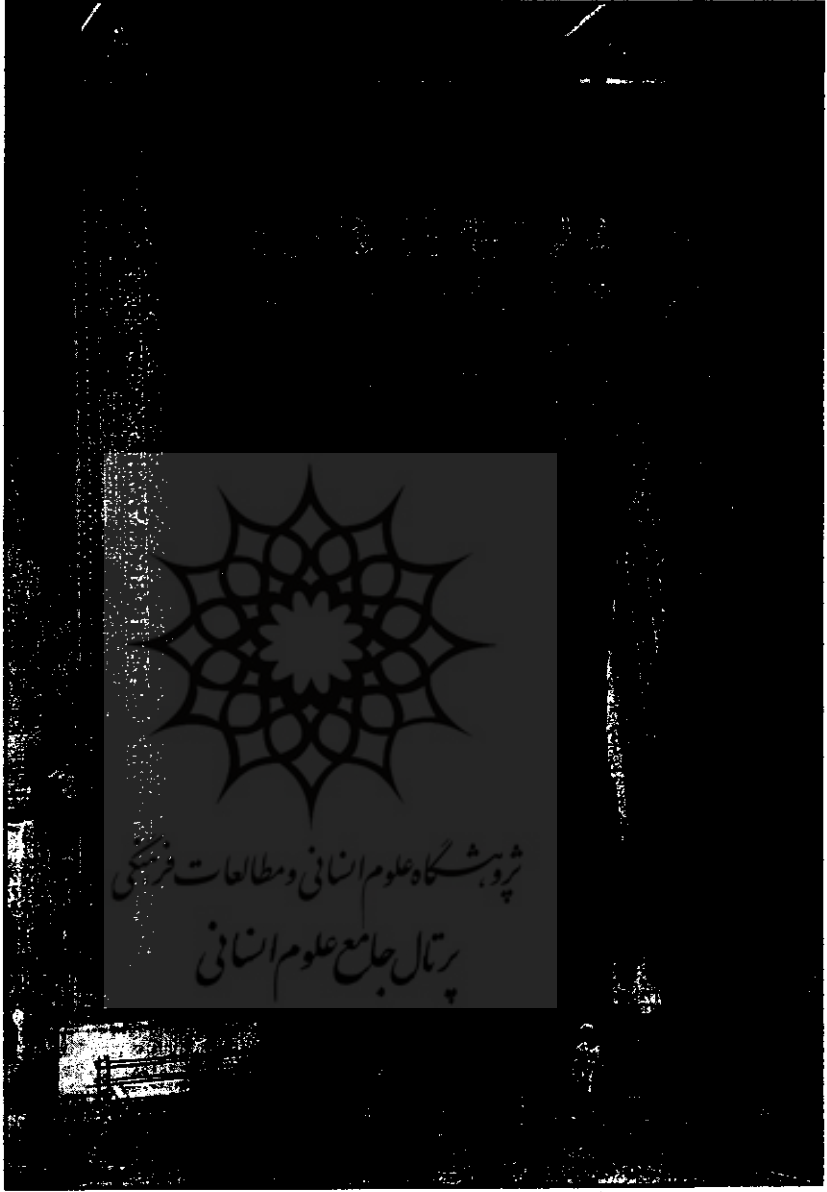
است:

گر منظر افلاک شود مسکن تو
وز کوثر اگر سرشته باشد گل تو
چون مهر علی نباشد اندر دل تو
مسکین تو و سعی‌های بی حاصل تو

«کرامات شیخ سبب شد که به تدریج منکران سرسخت تابع وی شدند. شیخ پس از سفرهای زیاد هنگامی که در ۸۰ سالگی قصد سفر حجاز داشت در میان راه وقایعی پیش آمد که به دیار خود بازگشت و پس از چند سال هدایت مریدان به رحمت ایزدی پیوست.»

وقتی صحبت حاج آقای شرف‌الدین جامی الاحمدی تولیت تربیت جام به اینجا رسید اظهار

داشت:



«تولیت مجموعه مزار شیخ احمد جام طبق وصیت اولیه از اعلم و ازهد و ارشد اولاد متولی با رعایت سلسله مراتب در هر نسل با انجام مراسم باشکوهی از پدر به فرزند منتقل می‌شود.»
 تولیت مجموعه مزار شیخ احمد جام می‌گوید: متأسفانه مدتی است این مجموعه غریب مانده است و هیچگونه تلاشی برای رونق آن نشده و بودجه‌ای معین نگردیده است. سند اوقاف مجموعه را هم در سال ۱۳۱۲ به عنوان امانت از سوی اوقاف خراسان گرفتند ولی هرگز پس ندادند و همچنان اوقاف مجموعه را تحویل نداده‌اند.

انتشارات سروش منتشر کرده است:

- هنر مقدس (اصول و روش‌ها) / تینوس بورکهارت / جلال ستاری / ۲۱۲ صفحه / ۹۵۰ تومان.
- راهنمای نگارش فیلمنامه / یورگن ولف - کری کاکس / عباس اکبری / ۴۸۴ صفحه / ۲۴۰۰ تومان.
- سینما و معماری / فرانسواتیز - مورین نامس / شهرام جعفری نژاد / ۱۹۴ صفحه / ۱۷۰۰ تومان.
- شیوه طراحی ۱ (ویژه هنرجویان رشته گرافیک) / محسن وزیری مقدم / ۴۳۲ صفحه / ۴۵۰۰ تومان.
- ترکیب‌بندی در عکاسی / هارالد مانتِه / پیروز سیار / ۱۰۸ صفحه / ۱۸۰۰ تومان
- کارگردانی کمندی موقعیت / هارولد اسنود / فاطمه کر معلی / ۷۲ صفحه / ۹۵۰ تومان.
- تدوین غیرخطی / کریس تامپسون / حمید احمدی لاری / ۳۸ صفحه / ۶۰۰ تومان.
- فیلمبرداری در محل / پیتر جارویس / فاطمه کر معلی / ۳۹ صفحه / ۶۰۰ تومان.
- اجرای صحنه‌های پرتحرک / مایک کریسپ / حمید احمدی لاری / ۵۴ صفحه / ۷۰۰ تومان.
- از متن تا پرده / گوردون کراتن / سیدجمال آل احمد / ۵۰ صفحه / ۷۰۰ تومان.
- بوطیقای معماری ۱ (آفرینش در معماری) / آنتونی سی - آنتونیاس / احمد رضآی / ۲۶۶ صفحه / ۲۰۰۰ تومان.
- بوطیقای معماری ۲ (آفرینش در معماری) / آنتونی سی - آنتونیاس / احمد رضآی / ۵۸۶ صفحه / ۲۵۰۰ تومان.

تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان دکتر مفتاح ساختمان جام جم

مرکز پخش: مجتمع فرهنگی سروش، معاونت بازرگانی، تلفن: ۶۴۰۴۲۵۵